

## **تورم، آسیب شناسی و درمان** **کورس صدیقی**

تورم از شمارسازه هایی است که به فرآیند توسعه صادرات غیرنفتی بسیار آسیب می رساند. افزایش قیمت کالاهای داخلی نسبت به قیمت کالاهای خارجی مشابه به طور طبیعی باعث کاهش رقابت پذیری کالاهای داخلی و در نتیجه کاهش صادرات می شود. تفاوت نرخ های تورم داخلی و کشورهای طرف مبادله تجاری، هرگاه با تغییر متناسب نرخ ارز همراه نشود، سبب ارزشگذاری اضافی پول داخلی شده و این مطلب نیز به لحاظ قیمت و هزینه (نه تغییرات بهره وری) از رقابت پذیری کالاهای داخلی و امکان صدور و نفوذ در بازارهای خارجی می کاهد. افزایش قیمت کالاهای داخلی هرگاه با فراهمی ارز توأم شود، گرایش به واردات را تقویت می کند و در صورتی که این مطلب با محدودیت های وارداتی همراه شود، تمایل به قاچاق کالا را پیش می آورد که در هر دو حالت به تولیدکنندگان داخلی و صنایع جایگزین واردات لطمه وارد می کند. بدین سان تبعات و آثار منفی تورم و انتظارات تورمی بر کنشدن و توقف فعالیت های تولیدی، و در شرایطی به تعطیل کشاندن بنگاه هایی که دارای انعطاف پذیری و قدرت رقابتی کمتری هستند، افزایش ریسک سرمایه گذاری ها و سرانجام سوق دادن منابع به فعالیت های غیرتولیدی و تورم را زمینه های استمرار و تشدید دورباطل افزایش قیمت ها را فراهم می سازد.

بر اساس نظریه نحله پولی " تورم همیشه و در همه جا يك پدیده انحصاراً پولی است " و عرضه و تقاضای پول تورم را تعیین می کند. معنای این سخن در عین حال این است که در بلندمدت تغییر در حجم پول موجب تغییر سطح عمومی قیمت ها می شود لیکن این پدیده نمی تواند اثر ماندگاری روی متغیرهای حقیقی نظیر تولید و بیکاری داشته باشد. این اصل که از آن به خنثی بودن پول در بلند مدت تعبیری می شود از محورهای اصلی تفکر نوین در علم اقتصاد کلان محسوب می شود و متضمن این نکته است که درآمداقعی کشورها و تولید و اشتغال در آنها در بلندمدت از عوامل حقیقی نظیر تکنولوژی، رشد جمعیت و رجحان ها و سلیق عوامل و کارگزاران اقتصادی تأثیر می پذیرد و بنابراین بانک های مرکزی در بلند مدت از طریق حفظ محیط با ثبات و به طور خاص از طریق ثبات قیمت ها می توانند پتانسیل رشد اقتصادی را افزایش دهند، اما بانک های مرکزی نمی توانند با افزایش حجم پول و یا تعیین نرخ بهره در سطحی غیرسازگار با ثبات قیمت ها به ارتقای رشد اقتصادی کمک رسانند و حوزه تأثیرگذاری سیاست های پولی بدین ترتیب فقط به سطح عمومی قیمت ها محدود می شود و بنابراین تورم مآلاً يك پدیده پولی است و سایر عوامل نظیر تغییرات تقاضای کل، تغییرات فناوری، یا شوک های قیمت، که از ناحیه تغییر قیمت پاره ای از کالاهای استراتژیک رخ می دهد، در افق های کوتاه مدت بر روی قیمت ها اثر گذارند اما با تغییر سیاست پولی اثرات آنها خنثی می شود.

شاید در اینجا مجال آن نباشد که به این مطلب بپردازیم که آیا تورم واقعاً يك پدیده صرفاً و انحصاراً پولی است؟ آیا محتوای اطلاعاتی این گزاره بیشتر از این است که بگوئیم تیراندازی يك پدیده بالستیک است؟ قدر مسلم آن است که در شواهد تجربی نوعی هم راستایی بین رشد حجم پول و رشد قیمت ها وجود داشته است و این که تا چه حد می توان این نسبت هم راستایی را به رابطه علت و معلولی (و این که این رابطه لزوماً يك طرفه است) تعبیر کرد سوآلی است که همواره می تواند مطرح شود. در همین حال در تورم های اندک ده سال اخیر در عموم کشورهای جهان، پدیده ای که گاهی به منزله "مرگ تورم" قلمداد شده، صرف نظر از انضباط مالی، مدیریت پولی و انتخاب لنگرهای اسمی مناسب، مثل هدفگذاری تورم، قطعات تغییرات فناوری، در هم آمیزی بازارها، رقابت و رقابت پذیری، خصوصی سازی و توسعه بخش خصوصی، شکل گیری بازارهای کارآمد، حساسیت مصرف کنندگان به مطلب قیمت و به طور کلی مجموعه ای از عوامل ساختاری و نهادی دخالت داشته است. اما معلوم نیست که با وجود این تحولات، جهان وارد عصر جدیدی شده باشد که بتوان تورم های اندک را در زمره مشخصه های تفکیک ناپذیران قلمداد کرد و یا چنین استنباط شود که این روند در هر شرایطی ناگزیر در آینده نیز به منزله يك گرایش مسلط ادامه می یابد. بدون تردید اتخاذ و اجرای سیاستهای پولی هوشمندانه و به موقع از جمله شرایط اصلی مهار تورم است.

با توجه به مباحث مطرح شده، ناگزیر در توضیح و تبیین مشکل تورم و علل آن در اقتصاد ایران باید از يك سو عوامل اثرگذار در رشد حجم پول و از سوی دیگر عوامل شکل دهنده به پدیده کم رشدی را مورد بررسی قرار داد. تولید

ناخالص داخلی ایران در سال ۱۳۵۵ (به قیمت های ثابت ۱۳۷۶) معادل ۲۴۲ هزار میلیارد ریال و نقدینگی بخش خصوصی در همین سال ۱۵۹۳ میلیارد ریال بوده است. ارقام متناظر در سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۴۴۷ هزار میلیارد ریال و ۱۲۸۴/۲ هزار میلیارد ریال بوده است. در همین دوره شاخص قیمت خرده فروشی (۱۳۷۶ = ۱۰۰) از ۱/۹ به ۳۵۰/۱ افزایش یافته است. معنای این ارقام آن است که در این دوره طولانی، یعنی سه دهه، سطح عمومی قیمت ها (بر اساس شاخص خرده فروشی) به طور متوسط سالانه ۱۹ درصد افزایش یافته در حالی که متوسط سالانه رشد حجم پول و رشد تولید ناخالص داخلی به ترتیب ۲۵ درصد و ۲ درصد بوده است. بنابراین همان گونه که گفته شد این سوال مطرح می شود که چرا حجم پول تا این حد سریع افزایش یافته و علت رشد اندک تولید ناخالص داخلی چه بوده است؟

یک منبع عمده افزایش نقدینگی و تورم در ایران ساختار اقتصاد نفتی، وابستگی بودجه به نفت و همچنین سلطه بودجه بر پدیده های پولی است، عنصری که موجب می شود سیاست های پولی حالتی انفعالی پیدا کند. ملاحظه منابع پایه پولی در ایران نشان میدهد که در گذشته و در شرایط بزرگ شدن دولت و بودجه، تامین نیازهای مالی بخش عمومی و کسری های بودجه و در سال های اخیر تغییر در خالص دارایی های خارجی عامل عمده رشد پایه پولی و نقدینگی در ایران بوده اند. در این وضعیت استقلال بانک مرکزی به معنای ابزاری و یاقوقی نمی تواند شرایط لازم را برای استقلال سیاست پولی فراهم آورد و ناگزیر اصلاح ساختار و کوچک کردن دولت و بودجه و برقراری انضباط مالی و توسعه بازارهای مالی و ابزارهای کنترل و مدیریت نقدینگی همراه با رفع شرایط سرکوب مالی (که زمینه های استفاده از نظام بانکی را به منزله یک وسیله شبه بودجه ای فراهم می آورد) از لوازم اصلی نیل به استقلال بانک مرکزی و سیاست های پولی است.

در طرف عرضه و کشش ناپذیری های آن در پدیده کم رشدی اقتصاد کشور و کم و کیف سرمایه گذاری ها، بدون تردید ساختار اقتصادی بسته و دولتی و همچنین نظام بانکی و بانکداری سرکوب شده و ناکارآمد و همچنین مجموعه عواملی که مانع شکل گیری فضای مناسب برای سرمایه گذاری و توسعه بخش خصوصی بوده اثرگذار بوده اند و بنابراین می توان این نتیجه را گرفت که اقتصاد ایران برای برون رفت از بن بست های کنونی باید از اقتصاد بسته و دولتی فعلی به اقتصادی باز و رقابتی متحول شود و آزادی اقتصادی و توسعه بخش خصوصی و استقرار تاسیسات بازار توأم با کوچک کردن و کارآمد کردن دولت به منزله اصول بنیادی اصلاحات ساختاری و نهادی کشور پذیرفته شود و این ها تشخیص های جدیدی نیستند و جزئیات این تغییرات ساختاری، نهادی و سیاستی در برنامه های سوم و چهارم پیش بینی، تنظیم و تصویب شده است، اما در عمل تقید و تعهد لازم نسبت به اجرای این برنامه ها وجود نداشته و ندارد. طرح ها و بحث هایی که در زمینه تثبیت قیمت ها، کاهش سود بانکی و نظایر آن مطرح شده و می شود، تا حدودی نشانه همین عدم تعهد و تقید به برنامه های تنظیم شده و بازگشت به شیوه های چریکی اداره امور اقتصادی است.

یک نکته مهم دیگر این مطلب است که اقتصاد ایران برای قرار گرفتن در مسیر رشد و پیشرفت هم به اصلاحات ساختاری و نهادی نیازمند است و هم به انتخاب و اعمال رژیم های سیاستی مناسب. اما به منزله یک اصل موضوع در توسعه آینده کشور این مطلب را نیز باید مدنظر قرارداد که فرآیندسازی و اصلاحات ساختاری و نهادی مقدم است بر مدیریت اقتصادی و انتخاب و اعمال رژیم های سیاستی. اهمیت این موضوع از آن باب است که در بحث هایی که هم اکنون از سوی دنگرش متضاد اقتصادی مطرح می شود، بعضی افزایش نرخ ارز را توصیه می کنند، و برخی دیگر طالب کاهش آنند. یکی طالب ثابت نگه داشتن قیمت خدمات عمومی است که شرکت های دولتی عرضه می کنند، دیگری طرفدار افزایش آن. نکته جالب آن است که آنهایی که شاید ناروا به آنها گاهی برچسب نئوکلاسیک نیز زده می شود توجه ندارند که نئوکلاسیک ها گفته اند شرایطی باید فراهم بشود، یعنی فرآیند هایی باید در اقتصاد شکل بگیرد، که حرکت اقتصاد به سمت قیمت های درست و تعادلی باشد<sup>۱</sup> نه اینکه قیمت های درست تعیین و تحمیل شود<sup>۲</sup>. و به همین نحو در مورد بحث هایی که در زمینه پارانه های ضمنی انرژی و حذف و هدفمند کردن آن همین گروه گاهی مطرح کرده می کنند، این پرسش را می توان مطرح کرد که آیا ورود این منابع جدید بودجه ای که به تعبیری بیشتر به یک باطلاق میماند، و در زمره عوامل و عناصر اصلی ساختار تورمی اقتصاد کشور محسوب می شود، باعث بزرگ تر شدن بودجه و بلعیده شدن بی ثمر این منابع نخواهد شد.

<sup>۱</sup> Getting the Prices Right

<sup>۲</sup> Get the Right Prices

## تغییرات پایه پولی و نقدینگی در ایران

۱۳۸۶ - ۱۳۷۶

(ارقام به میلیارد ریال)

۱۳۸۶ شهریور	۱۳۸۴ شهریور	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	
۵۶۴۷۴/۲	۳۹۱۴۴/۰	۶۱۴۵۱/۶	۵۰۶۷۵/۶	۴۴۷۷۲/۰	۳۸۷۳۲/۵	۳۴۷۸۰/۱	۲۹۱۸۸/۷	۲۵۱۵۸/۳	۲۲۱۱۹/۳	۱۸۷۷۳/۱	۱۵۳۸۰/۲	اسکناس و مسکوک در دست اشخاص
۲۰۷۱۴۹/۰	۱۱۲۳۸۳/۲	۱۸۴۸۲۷/۷	۱۲۸۰۰۲/۲	۹۴۵۷۳/۳	۷۶۵۱۲/۶	۶۲۵۶۸/۶	۵۰۸۴۲/۶	۵۱۸۳۰/۴	۴۵۳۷۷/۴	۳۷۸۳۴/۸	۳۴۴۶۰/۸	سپرده قانونی
۴۹۰۱۱/۳	۱۴۹۹۷/۳	۳۳۶۹۵/۸	۴۱۸۶۳/۶	۱۱۸۵۴/۷	۱۳۴۶۵/۸	۲۲۲۶۷/۲	۱۷۱۵۳/۵	۷۴۰۹/۴	۴۳۲۵/۹	۵۳۵۶/۷	۲۶۷۲/۵	ذخایر اضافی *
۳۱۲۶۳۴/۵	۱۶۶۵۲۴/۵	۲۷۹۹۷۵/۱	۲۲۰۵۴۱/۴	۱۵۱۲۰۰/۰	۱۲۸۷۱۰/۹	۱۱۹۶۱۵/۹	۹۷۱۸۴/۸	۸۴۳۹۸/۱	۷۱۸۲۲/۶	۶۱۹۴۶/۶	۵۲۵۱۳/۵	<u>پایه پولی</u>
...	...	۲۶/۹	۴۵/۹	۱۷/۵	۷/۶	۲۳/۱	۱۵/۲	۱۷/۵	۱۵/۹	۱۸/۰	۱۰/۹	رشد سالانه (درصد)
۱۴۵۱۱۷۵/۹	۷۸۴۹۴۸/۵	۱۲۸۴۱۹۹/۴	۹۲۱۰۱۹/۴	۶۸۵۸۶۷/۲	۵۲۶۵۹۶/۴	۴۱۷۵۲۴/۰	۳۲۰۹۵۷/۳	۲۴۹۱۱۰/۷	۱۹۲۶۸۹/۲	۱۶۰۴۰۱/۵	۱۳۴۲۸۶/۳	<u>نقدینگی</u>
...	...	۳۹/۴	۳۴/۳	۳۰/۲	۲۶/۱	۳۰/۱	۲۸/۸	۲۹/۳	۲۰/۱	۱۹/۴	۱۵/۲	رشد سالانه (درصد)
۴/۶۴۲	۴/۷۱۴	۴/۵۸۷	۴/۱۷۶	۴/۵۳۶	۴/۰۹۱	۳/۴۹۱	۳/۳۰۳	۲/۹۵۲	۲/۶۸۳	۲/۵۸۹	۲/۵۵۷	<u>ضریب فزاینده نقدینگی</u>

\* ذخایر اضافی برحسب تعریف برابر است با اسکناس و مسکوک نزد بانک ها به علاوه سپرده های دیداری بانک ها و مؤسسات اعتباری نزد بانک مرکزی